

بحث در موضوعات حقوقی

قانون مجازات جدید سوئیس

یکی از جدیدترین قوانین جزائی دنیا قانون مجازات سوئیس است که در تاریخ ۱۹۳۸ تصویب رسیده . سال ۱۹۳۸ در تاریخ حقوق سوئیس اهمیت زیادی را دارا است زیرا در سوم ژوئیه همین سال است که ملت سوئیس رأی داده بجای ۲۵ قانون مجازاتی که در کانتونهای مختلف کشور (استان) حکمفرما بوده قانون مجازات واحدی اجرا شود . سابقاً چنانچه اشاره کردیم هر یک از کانتونهای سوئیس قانونی مخصوص بخود داشت و سعی می کرد آن را حفظ نموده و هیچیک از آنها نمی خواستند ز برابر قوانین سایر نقاط بروند استانهای مختلف سوئیس همیشه کوشش داشتند شخصیت خود را حفظ کرده و هیچوقت نمی خواستند روابط نزدیکتری بین آنها برقرار شود - اشکالات حمل و نقل اختلافات سیاسی و اجتماعی و مذهبی این وضعیت را تقویت می کرد . پس از انقلاب فرانسه وقتی جمهوری سوئیس تحت نفوذ دولت اخیر قرار گرفت قانون واحدی در ۱۷۹۹ بآن کشور تحمیل شد ولی این قانون عمر زیادی نکرد و در ۱۸۰۳ که هر یک از کانتونها دو باره مستقل شدند باز قانون جداگانه پیدا کردند معذک اجرای قانون مجازات واحد در ۱۷۹۹ بیفایده نبود زیرا در عمل این حقیقت ثابت شد که وحدت قوانین جزائی برای کشور سوئیس فواید بیشماری دارد . عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز کم کم کانتونهای مختلف را بهم نزدیک کرده و بهمین جهت در ۱۸۴۸ قانون مجازات نظامی واحدی تدوین گردید . قوانین جزائی عمومی بهمان حال باقی بود و در عمل هم اشکالاتی را ایجاد می نمود مثلاً اغلب اتفاق می افتاد که بزهرکاری بعد از ارتکاب برای فرار از تعقیب بکشور دیگری که عمل مورد

اتهام در آنجا بزه محسوب نمیشد رفته و بدین ترتیب از مجازات مصون می ماند و بعلاوه چون هر کدام از کانتونها سازمان جزائی مستقلی داشتند و بودجه هر یک از آنها برای ایجاد زندانهای حسابی کافی نبود محکومین معمولاً در محل های غیر مناسبی زندانی می شدند و منظور از مجازات که بیشتر اصلاح بزهرکار بود تامین نمی گردید این اشکالات بالاخره باندازه نمایان شد که هر کس بمعايب کار برخورد و مردم سوئیس را بجزایب داشتن قانون مجازات واحد متوجه نمود انجمن جزائی سوئیس و انجمن متخصصین حقوقی سوئیس نیز در این کار بی اندازه کوشش کرده و مردان سیاسی را متقاعد بمحاسن قانون مجازات واحد کرده سپاسیون هم بنوبه خود عقاید عمومی را با این فکر موافق نمودند ولی موافقت تنها کافی نبود می بایستی برای عملی شدن آن در قانون اساسی تغییری داده و بدولت مرکزی اختیار داد قوانین جزائی برای تمام کشور تدوین نماید مقدمه مسیو کارل استوس استاد دانشکده برن مأمور شد در اطراف قوانین جزائی سوئیس بررسی نموده و زمینه تهیه کند - استاد مزبور پس از مطالعات زیاد کتابی منتشر و در آنجا اصول جزائی سوئیس را شرح داده و زمینه برای قانون مجازات واحد بین ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴ منتشر نمود - این زمینه در کمیسیون مرکب از متخصصین طرح و در ۱۸۹۶ کمیسیون مزبور گزارشی با نظر موافق تسلیم شورای دولتی نمود . شورای دولتی هم بملت پیشنهاد کرد در قانون اساسی تغییراتی داده شود باین ترتیب که حکومت مرکزی مختار گردد در موضوعات حقوقی و جزائی قوانینی تدوین نماید ملت هم در ۱۳ نوامبر ۱۸۹۸ پیشنهاد شورا را تصویب نمود با این مقدمه دیگر

تصویب قانون مجازات آسان بنظر میرسد معذک بتاخیر افتاد زیرا پارلمان قبلاً بتدوین قانون مدنی و تجدید نظر در قانون تمهیدات اقدام نمود بعداً هم جنگک پیش آمد این هم کار قانون گذاری را معوق گذاشت بعد از جنگک قبلاً در قانون مجازات نظامی تجدید نظری بعمل آمد در خلال این مدت زمبینه قانون مجازات همیشه تحت مطالعه بوده و بالاخره در ۲۳ ژوئیه ۱۹۱۸ تسلیم مجلس گردید مجلس هم بجهانی که گفتیم قبل از ۱۹۲۸ وقت پیدا نکرد آن را مورد شور و بررسی قرار دهد بالاخره در این تاریخ لایحه مزبور را مطرح و در ۱۹۳۷ کار خود را تمام نمود معطلی کار در مجلس نشان می دهد که همه نمایندگان موافقت با لایحه قانون مجازات عمومی نداشتند و مخالفین مؤثری در بین بوده است این مخالفین پس از تصویب هم آسوده نه نشستند و در کانونها مشغول تبلیغات بر علیه قانون مزبور شدند و ملت را آوار کردند تقاضای رجوع بآراء عمومی را نمایند این تبلیغات هم مؤثر واقع شد در سوم ژوئیه ۱۹۳۸ برای تصویب قانون مزبور مراجعه بآراء عمومی شد و نتیجه با اکثریت ضعیف ۳۵۸۴۵۸ رای در مقابل (۳۱۲۰۳۰) تصویب گردید این ارقام نشان میدهد که تمام افراد سویس در رأی شرکت نکردند بعلاوه عده مخالفین هم زیاد بودند مخالفین قانون مزبور در هر طبقه یافت می شدند و هر کدام هم برای خود دلیلی داشتند مثلاً کاتولیک ها انتقاد می کردند که اصول کاتولیک در آن کنجانبانیده نشده و هیچگونه کمال مطلوب اخلاقی در آن دیده نمی شود و اضافه می کردند که در هر قانون مجازاتی نظری پیروی میشود دولت دیکتاتوری و درل دموکرات هر کدام از اعمال مجازات مقصدی دارند و قانون سویس هم می بایستی اصول اخلاقی مسیح را که مورد توجه اکثریت ملت سویس است تعقیب نموده باشد و حال آنکه چنین رویه را پیروی ننموده است - اگر نظر کاتولیک ها تامین نگردیده از آنجهت است که در کشور سویس مذاهب و نژاد ها و زبانهای مختلف موجود بوده این اختلافات خود ایجاد اشکالاتی میکند واضعین قانون نخواستند با رعایت اصول اخلاقی کاتولیک در قانون

مجازات اختلاف نازه را ایجاد کنند .

عده دیگری معتقد بودند نباید باستقلال کانونهای سویس در مقابل حکومت مرکزی سکنه وارد نمود و می گفتند که این قانون برای افزایش اقتدارات دولت مرکزی ایجاد شده از اینجهت باتمام قواء بر علیه آن اقدام می کردند و حال آنکه حقیقت غیر از این است کانونهای سویس با وجود قانون مجازات واحد قسمتی از اختیارات خود را حفظ کرده اند مثلاً کانونها اختیار دارند مقررات جزائی را جمع با امور خلاقی - مالی - اداری - اصول محاکماتی وضع کنند - مقررات اصول محاکماتی و سازمان دادگاهها و اجراء احکام نیز در حدود صلاحیت کانونها باقی مانده است .

اکنون وقت آن رسیده که به بحث مختصری در اطراف قانون مجازات سویس بپردازیم این قانون سه کتاب تقسیم میشود: کتاب اول کلیات - کتاب دوم قسمت مخصوص - کتاب سوم اجراء قانون .

در کتاب اول ماده ۱ مقرر میدارد که هیچ عملی بزه نیست مگر آنکه قانون آن را بزه شناخته باشد بنابراین قانون مجازات سویس با وجود اینکه جدیداً وضع شده از اصل قانون آلمان و قانون شوروی پیروی ننموده است و بدادرس اختیار نداده که از طریق قیاس عملی را بزه قلمداد کند بلکه بزه بودن عملی را مشروط به پیش بینی قانونگذار کرده است

تفسیر قوانین در سویس بیش از سایر کشورها اشکال دارد زیرا قانون مجازات سویس سه زبان نوشته شده است و ممکن است از متن هر کدام از سه زبان معنای مخصوص استنباط شود در این صورت چه باید کرد؟ می شود گفت باید این اصل را که در تفسیر قوانین رسم است در اینجا اعمال کرد و گفت دادرس می بایستی به بیند کدام یک از این سه عبارت با نظر قانونگذار بیشتر وفق میدهد و مدلول آن را رعایت نماید این عقیده قابل خدشه است زیرا ممکن است کسی عملی را که طبق متن قانون فرانسه بزه نیست انجام داده سپس بموجب متن آلمانی او را مسئول تشخیص دهند

ناتمام دکتر جلال عیدم: